

نیایشگاه مدینه عشق

روایت تاسیس اولین معبد بهائی در شهر عشق آباد روسیه

برگرفته از: مجله پیام بهائی، شماره ۲۷۷ (دسامبر ۲۰۰۲)

نگارش: مهرداد بشیری

«... مشارکت قهرمانان این مشروع تاریخی، از استاد علی اکبر بنای یزدی شهید گرفته تا حاجی محمدتقی وکیل الدوله، از مهندس وُلُکف روسی گرفته تا آن کودک یزدی آجر در بغل، و چه صدها تن از بهاییان پیر و جوان که همگی به آجر کشی و خاک کشی این بنا افتخار ها می نمودند، رمزیت از خودگذشتگی، ایثار و فروتنی یک جامعه مهاجر و پناهجوی ایرانی بهائی در غُرَبَت. معبد بهائی در عشق آباد را نه تنها می توان به عنوان موسسه ای روحانی بلکه به صورت سمبلی از آزادی و نماد رهایی یک جامعه مظلوم و رنج کشیده تلقی نمود. این مشرق الانکار نه تنها مبلغ صامتی بود که بر احترام و شناخت دیانت بهائی افزود، بلکه یادمان پایداری گردید که ماورای شکوه و جلال ظاهری خویش حکایت از عشق به آزادی و تقدیر از حقوق انسانی می نمود. در ساختار سخت بنیان آن بقایای رنج های جامعه ای منکوب و درد کشیده را می شد جستجو نمود و در اُبَهِت ساختمان و طراوت باغاتش شکوفایی آرمان ها و آرزوهای سازندگانش به روشنی نمایان بود.»



نیایشگاه مدینه عشق

«و این اول مشرق الاذکار است که بنیان شد و اهمیت کبری داشت... و من از الطاف جمال مبارک امیدوارم که موانع مندفع گردد و به کمال اشتیاق به آن سامان بشتابم و در مشرق الاذکار نماز و مناجات کنم...»
حضرت عبدالبهاء، حیفاء، ۴ تموز ۱۹۱۹

مهرداد بشیری

پیشگفتار

سال جاری مصادف است با یکصدمین سالگرد آغاز ساختمان اولین معبد بهائی، مشرق الاذکار عشق آباد. در این مقاله به تاریخچه این بنا که به تحقیق آن را می‌توان اولین مشروع بهائی دانست می‌پردازیم. حضرت ولی امرالله این معبد را به عنوان:

«مشعشع‌ترین مفاخری است که در عصر رسولی این دور ابداع اعظم بل در قرن اول بهائی نصیب جامعه ستمدیده اهل بهاء گردیده است.»^۱

مورد ستایش و تحسین قرار می‌دهند. همچنین آن حضرت در توقیع انگلیسی امریکا و صلح اعظم (۲۱ آوریل ۱۹۳۳) می‌فرمایند که حضرت عبدالبهاء مکرراً در جمع احبّاء به سه مشروع عظیم تاریخی به عنوان اهداف اصلی سه‌گانه دوره قیادت خویش اشاره می‌فرمودند.^۲ متعاقباً در نامه‌ای به تاریخ ۱۴ دسامبر همان سال این سه هدف



اصلی را این چنین روشن می‌فرمایند:

«اول استقرار امر حضرت بهاءالله در قاره امریکا، دوم بنای مشرق الاذکار در عشق‌آباد و سوم بنای مقام مقدس حضرت باب در کوه کرمل»^۳

با در نظر گرفتن اهمیت این رخداد تاریخی در بررسی حاضر حتی الامکان سعی گردیده که جوانب مختلف این تأسیس بهائی مورد دقت نظر قرار گیرد. نگارنده بدو به منظور تشریح جو تاریخی حاضر، به مفاهیم و برداشت‌های اولیه‌ای که در جامعه بهائی در مورد مؤسسه مشرق الاذکار وجود داشته خواهد پرداخت. سپس ابعاد مختلف مربوط به این واقعه در

تحت چندین بخش که تا حدودی روشنگر ساختار جامعه بهائی عشق آباد، مقدمات آغازین ساختمان تا مراسم نصب سنگ بنا، ویژگی‌های ساختمان، نقش شکوفای مشرق الاذکار در سطح جامعه بهائی و سرانجام سرنوشت تأثرانگیزی که گریبانگیر این نیایشگاه بهائی گردید، عرضه خواهد شد.

ملاحظات در برداشت‌های متداول از اصطلاح مشرق الاذکار

دستور ساختمان نیایشگاه‌های بهائی در سه موضع از کتاب *مستطاب اقدس* ملاحظه می‌گردد. حضرت بهاء الله در بند ۳۱ امر به ساختمان بیوتی در شهرها می‌فرمایند که به زیباترین و کامل‌ترین وجه ممکن برای ذکر الهی بنا گردد.^۴ متعاقباً در بند ۱۱۵ همان کتاب اصطلاح مشرق الاذکار را برای اول مرتبه در مورد این بیوت ذکر کرده و ضوابطی برای مشرق الاذکار از قبیل ارجحیت مناجات در اسحار و ضرورت نشستن و سکوت به منظور شنیدن ادعیه و اینکه مشرق الاذکار هر بیتی است که به خاطر ذکر الهی در شهرها و روستاها بنا می‌گردد مطرح می‌فرمایند.^۵ سرانجام در بند ۱۵۰ حضرت بهاء الله ضرورت تعلیم اطفال به قرائت آیات و الواح با لحن و صوت دلپذیر در غرف مشرق الاذکار را تأکید می‌فرمایند.^۶ به علاوه بند ۹۴ *رساله سؤال و جواب* اهمیت استفاده مطلق از مشرق الاذکار را برای ذکر خدا روشن می‌نماید.^۷ اصطلاح مشرق الاذکار در جامعه بهائی دارای مفهومی چند بُعدی می‌باشد. این جوانب را در اینجا می‌توان لا اقل در تحت ۶ گروه بررسی نمود:

اول: مشرق الاذکار به معنای ساختمانی که تمامی خصوصیات ضروری معماری مربوطه

را دارا بوده و صرفاً به عنوان محلی برای دعا و مناجات و نیایش اختصاص داشته. این بنا از نقطه نظر رسوم و شعائر متداول با کلیساها و یا مساجد و یا معابد ادیان دیگر فرق کلی دارد.

دوم: ساختمانی که مختصات معماری و طراحی بخصوصی نداشته ولی به عنوان محلی معین به عنوان مشرق الاذکار و برای ارائه دعا اختصاص یافته است.

سوم: مفهوم یک اتاق و محلی در یک خانه و یا مرکز اداری بهائی که برای دعا و مناجات اختصاص یافته.

چهارم: مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و مؤسساتی که به عنوان لواحق ساختمان اصلی که معبد بهائی است و به خاطر رسیدگی به امور مربوط به فقرا، درماندگان، تعلیم و تربیت، حفظ و بهداشت و بالاخره نظم اداری بهائی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پنجم: جمعی که برای نیایش و مخصوصاً در ساعات زود صبحگاهی تشکیل گردیده.

ششم: به یک معنا اشاره و استعاره‌ای است به قلب یک "مؤمن خالص".^۸

بایستی به یاد داشت که حضرت بهاء الله در آثار خویش به برخی خصوصیات عمومی روحانی و فیزیکی مشرق الاذکار به اختصار اشاره فرموده‌اند ولی جزئیات مربوطه بعدها در آثار حضرت عبدالبهاء به مرور تشریح گردیده است.

در زمان حضرت عبدالبهاء بود که پروژه ساختمان دو مشرق الاذکار آغاز گردید و موج فراگیر هیجان و اشتیاق وافر جوامع بهائی شرق و غرب را در بر گرفت. در بسیاری از آثار آن حضرت ما مطالبی را ملاحظه می‌کنیم که روشنگر نقش مؤسسه مشرق الاذکار در حیات جامعه بهائی است. بعدها در زمان قیادت

این شهر که فاصله اش با مرزهای ایران حدود ۱۹ مایل (۳۰ کیلومتر) بود به صورت مرکز مهم اداری ایالت ماورای خزر در دوره تزاری درآمد. این شهر همچنین یکی از ایستگاه های مهم خط راه آهن ماورای خزر بود. عشق آباد در طول تاریخ خویش مکرراً دستخوش سوانح طبیعی بوده که دلخراش ترین آن زلزله ۶ اکتبر ۱۹۴۸ میلادی است (۹/۵ ریشتر) که به روایتی در آن قریب به ۱۱۰۰۰۰ نفر کشته شدند.

اما سابقه فعالیت های تبلیغی بهائی در این منطقه به سال ها قبل از تأسیس رسمی شهر عشق آباد باز می گردد. جناب ابن اصدق ضمن برآورد عمومی که از وضعیت و تاریخ جامعه بهائیان ترکستان ارائه داشته اظهار می دارند که در دورانی که ترکستان هنوز تحت استیلای قبائل ترکمن بود و قبل از ورود مهاجرین بهائی، سفری به منطقه عشق آباد نموده و در آنجا موفق به تبلیغ یکی از افراد سرشناس حصار کریم وردی و جمعی دیگر که سنی مذهب بوده می گردند.^{۱۱} دولت روس پس از استیلاء بر این منطقه تسهیلاتی در فروش زمین و تشویق مردم به اسکان در عشق آباد فراهم می آورد و احباء نیز که سال ها تحت فشار در ایران بودند اندک اندک به سمت این شهر رو می آورند. در سال ۱۲۹۹ ه. ق. (۱۸۸۱-۱۸۸۲ میلادی) حاجی عبدالحسین معمار یزدی به عشق آباد رفت که برای حاجی میرزا حسن افغان کبیر و خود املاکی ابتیاع نماید. به مرور افراد دیگر احباء نیز به آن شهر عزیمت نمودند و بسیاری با ساختن کاروانسرا، دکان و منازل به امور تجاری مشغول شدند. در سال ۱۳۰۲ ه. ق. لوحی در جواب عریضه استاد علی اکبر بناء یزدی که از عشق آباد فرستاده بود نازل می گردد:

حضرت ولی امرالله فعالیت های دامنه داری برای خرید زمین مشرق الاذکار در کشورهای مختلف آغاز گردید، چند ماهی پیش از صعود مبارک بود که ساختمان سومین مشرق الاذکار بهائی در کامپالا (مه ۱۹۵۷) آغاز گردید. تعالیم بهائی بر این امر صحه می گذارند که در ب های مشرق الاذکار به روی تمامی احاد بشری باز می باشد. آثار مقدسه بهائی و یا سائر ادیان عالم با لحن زیبا در آن قرائت می گردد و اگر چه نواختن سازهای موسیقی در آن مجاز نیست ولی تلاوت آیات به همراهی موسیقی امری پسندیده و مقبول می باشد. نمایش هرگونه عکس، تصویر و تمثال بر دیوارهای آن مجاز نیست. در معبد بهائی منبر و یا محل بخصوصی که جزء ساختمان بوده و برای موعظه استفاده شود وجود ندارد.^۹

در آثار حضرت عبدالبهاء ساختن مشرق الاذکار به صورت یک مشروع عمومی و قطعاً جهانی محسوب می گردید. هیکل مبارک در موضعی به آقا میرزا فضل الله معاون التجار در میاندوآب می فرمایند:

«و در بنیان مشرق الاذکار اگر جمیع بلاد اعانت نمایند مقبول...»^{۱۰}

جامعه بهائیان عشق آباد

شهر عشق آباد که سابقاً مرکز ناحیه ترکستان ایالت ماوراء خزر روسیه تزاری بود در سال ۱۸۸۱ رسماً تأسیس گردید. این شهر بدو به صورت یک حصار نظامی روسی در سال ۱۸۶۹ در نزدیکی یکی از اقامتگاه های ایلات ترکمن ایجاد گردیده بود. به مرور این تأسیسات نظامی جاذب گروه کثیری از بازرگانان که شائق به بسط حوزه تجاری خویش به مناطق آسیای مرکزی بودند گردید.



حاجی محمد تقی افغان

سال بعد به حضور حضرت بهاءالله شتافت. پس از بازگشت از زیارت عودت به یزد نمود و سپس در سال ۱۳۰۴ مجدداً به عشق‌آباد بازگشت. در این بین نامه‌ای از حاجی میرزا محمد علی افغان رسید که مرقوم داشته بودند که در اوقاتی که در حضور حضرت بهاءالله مشرف بوده‌اند استدعا کرده که محلی در عشق‌آباد به نام امر بنا شود که این مسئله مورد موافقت واقع می‌شود. سپس جناب افغان این مسئله را به استاد علی اکبر بناء مخابره نموده و خواستار انجام آن شده و ضمناً مخارج مربوطه را نیز متقبل می‌گردند. پس استاد علی اکبر به جستجوی زمین در عشق‌آباد پرداخته و در کوچه مروکه بعدها به آزادی موسوم می‌گردد یک قطعه زمین از شخصی ایرانی و به روایتی ارمنی به نام اعظم به مبلغ ۶۰۰ منات به اسم

«عمل در ارض جدیده موافق است با حکمت و لسان مشورت هم تصدیق نموده امروز باید کُل به تمام همت بر امرالله قیام نمایند»^{۱۲}

بایستی به یاد داشت که شهر عشق‌آباد تنها محل مأمن بهائیان مهاجر از ایران نبود. تعدادی از تجار ایرانی و ایرانیان ناراضی از حکومت قاجار نیز به این شهر رو آورده بودند. به گفته حاجی سیاح محلاتی که در اواخر دهه ۱۸۸۰ از آن شهر عبور نموده بود ایرانیان ناراضی از ظلم حکومت قاجار زندگی ساده و بی‌آلایش و مشاغل سخت و پر مشقت در عشق‌آباد را به یوغ بندگی و سرسپردگی در تحت رژیم مستبدانه ترجیح می‌دادند.^{۱۳}

بر اساس تجزیه و تحلیل مستندی که دکتر مؤمن از تنوع مهاجرین ایرانی ساکن عشق‌آباد ارائه داده‌اند عموماً رابطه نزدیکی بین مسقط الرأس مهاجرین و شدت و ضعف تضییقات در مناطق مربوطه ملاحظه می‌گردد. برای مثال حدود ۴۱ نفر از مهاجرین اولیه از شهر یزد می‌آمدند که جامعه بهائی آنجا در تحت تضییقات شدید بود. علی‌رغم این تعبیر عمومی دکتر مؤمن متذکر می‌گردد که از مناطقی همچون اصفهان که شدیداً تحت فشار بود مهاجری در بین احبای اولیه عشق‌آباد دیده نمی‌شود و این شاید بدان علت بوده که رهایی از مظالم عموماً به صورت مهاجرت به طهران صورت می‌پذیرفته.^{۱۴}

مقدمات آغاز ساختمان

مقدمات اولیه برای بنای مشرق‌الاذکار در سال ۱۳۰۵ ه.ق. آغاز گردید. قبل از آن در سال ۱۳۰۱ ه.ق. استاد علی اکبر بناء یزدی به اتفاق استاد محمد رضا وارد عشق‌آباد شد و یک

خال اکبر بودند. از سال ۱۸۵۴ در یزد ساکن گردیدند و به علّت شایستگی و حسن شهرت به عنوان کنسول تجاری دولت روسیه تعیین شده و مشهور به وکیل الدوله گردیدند. ایشان پس از قبول مسئولیت ساختمان مشرق الاذکار تمامی امور تجاری خویش را فیصله داده و عازم عشق آباد می گردند. ایشان نه تنها مسئولیت این پروژه را به عهده داشتند بلکه با بذل اموال خویش منبع مهمی برای مخارج مربوطه نیز بودند. در سال ۱۹۰۶ پس از اتمام سقف و گنبد مشرق الاذکار و تفویض امور به محفل روحانی عشق آباد و فرزند خویش آقا میرزا محمود عازم حیف شدند و در جزء مجاورین درآمدند تا در سال ۱۹۰۹ میلادی که در همانجا صعود نمودند.^{۱۷}

بایستی یادآور شد که نقشه این ساختمان مدت ها پیش تهیه گردیده بود. در سال ۱۳۱۱ ه.ق. استاد علی اکبر بناء به ارض اقدس رفته و در آنجا بر حسب دستور حضرت عبدالبهاء نقشه مشرق الاذکار را بر اساس عدد ۹ ترسیم نموده و به نظر حضرت عبدالبهاء می رساند.^{۱۸} در همین رابطه حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به ایشان می فرمایند:

«در زمانی که در ارض اقدس بودید نقشه مشرق الاذکار که مشمولاتش نه نه بود کشیده شد و به همراه بردید و حال به همان قسم که مشرق الاذکار در عشق آباد بنا می شود چند صورت از آن نقشه را نزد حضرت ابن ابهر ارسال دارید زیرا از فیض جمال ابهی و تأییدات مقدسه حضرت کبریا در جمیع اطراف در فکر تأسیس مشرق الاذکارند و نقشه را نمی دانند البته به کمال سرعت کشیده ارسال دارید و این سبب فیض اعظم و فوز مبین خواهد شد»

جناب افنان خریداری می کنند.

در همین اوقات بود که استاد علی اکبر لوحی از حضرت بهاء الله به لسان خادم الله دریافت می دارند:

«یا حبیب فؤادی حضرت افنان علیه من کل بهاء الابهی از قراری که مرقوم داشته اند ارض مخصوص به اسم حق جل جلاله در آن اخذ نموده اند و بعد از عرض به ساحت اقدس به شرف قبول فائز و فرمودند بنویس به جناب علی قبل اکبر علیه بهائی، بنائی و تعمیری و آبادی آنجا با شما است هذا من فضل الله علیک»

در روز ۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۵ ه.ق. (سه شنبه ۱۳ دسامبر ۱۸۸۷) بود که به طور موقتی بنای ساختمان و حوضخانه ای در این زمین آغاز گردید. بعدها قطعاتی از زمین های مجاور نیز توسط احباء خریداری شد و به زمین اصلی اضافه گردید.^{۱۵}

در سال ۱۹۰۰ میلادی بود که حاجی محمد تقی افنان (وکیل الدوله) بر حسب دستور حضرت عبدالبهاء مسئولیت پروژه عظیم ساختمان مشرق الاذکار را به عهده گرفتند. حضرت عبدالبهاء در این رابطه می فرمایند:

«حضرت فرع جلیل سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی افنان را به عشق آباد فرستادیم تا در آنجا به فضل و عنایت جمال ابهی و روحانیت حضرت اعلی تأسیس مشرق الاذکار نمایند. آوازه و صیت این مشرق الاذکار به جمیع اطراف خواهد رسید و تأثیر عجیبی خواهد داشت»^{۱۶}

جناب حاجی محمد تقی افنان (متولد ۱۸۳۰-۱۸۳۱) دومین فرزند حاج سید محمد



در ادامه همین لوح به ایشان امر می‌فرمایند که سفری تبلیغی در (بهار ۱۹۰۳) به یزد نمایند که در همین سفر بود که ایشان و جمعی دیگر در یزد به شهادت می‌رسند.^{۱۹}

مراسم نصب سنگ بنا

جشن نصب سنگ بنای معبد عشق‌آباد را می‌توان اولین تجمع رسمی که شاهد اعلان عمومی و شناخت رسمی دیانت بهائی در حضور زعمای دولتی بود محسوب نمود.

مدتی قبل از انعقاد این جشن یعنی در روز ۲۸ رجب ۱۳۲۰ ه.ق. (۳۰ نوامبر ۱۹۰۲) احباء در زمین اعظم اجتماع نموده و به یک معنی سنگ‌های بنای ساختمان مشرق الاذکار را بدین ترتیب که هر یک از احباء سنگی را در محل پایه بنیاد ساختمان قرار داده جایگذاری می‌نمایند. قبل از آن در ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (۲۱ دسامبر ۱۹۰۲) بود که کار ساختمان با خراب کردن عمارت قدیمی رسماً آغاز شده بود.^{۲۰}

در نامه‌ای از آقا سید مهدی حسینی

(دهجی، اسم الله المهدی) به یکی از احبای ارض اقدس به تاریخ ۱۳ رمضان ۱۳۲۰ (۱۴ دسامبر ۱۹۰۲) جزئیات مربوط به این واقعه تاریخی و آمدن فرماندار کل ایالت ماوراء خزر ژنرال سوبوتیچ D. I. Subotich به همراهی تعدادی از افسران و صاحب منصبان روسی جزء به جزء نقل می‌گردد: «در روز ۱۲ دسامبر ۱۹۰۲ (۱۱ رمضان ۱۳۲۰) فرماندار و همراهان ملبّس به البسه و حمایل رسمی برای تبریک به زمین مشرق الاذکار می‌آیند. سه روز قبل خبر ورود ژنرال به احباء می‌رسد. در آن روز قسمتی از زمین مشرق الاذکار با فرش‌های مجلل تزئین یافته و در محل مخصوص چادری افراشته و انواع حلویات و خوراکی حاضر شده بود. در این مراسم در حدود ۶۰۰ الی ۸۰۰ تن از بهائیان و علاوه بر همان تعداد از اهالی روسی، ارمنی، بخارایی و تعداد معدودی از مسلمین شرکت داشتند. بعد از استقرار فرماندار در محل مخصوص نطق خوش آمد از طرف احباء که به زبان روسی ترجمه گردیده بود قرائت گردید. سپس ژنرال

ادیان بابی و بهائی داشت و به نظر احترام به امر جدید می‌نگریست. ایشان در مجموعه خاطرات خودش اشاره‌ای به واقعه نصب سنگ بنا می‌نماید و در ضمن آن به تحسین از جامعه بهائی عشق‌آباد یاد می‌کند. وی همچنین اشاره به اهمیت حضور حاج محمد تقی وکیل الدوله در عشق‌آباد که به منظور ساختن این معبد به آنجا آمده‌اند می‌نماید. همین فرد بود که جناب حاج محمد تقی را به ژنرال سوبوتیچ معرفی می‌نماید و در روز مراسم و قبل از ورود میهمانان چندین بار برای سرکشی اوضاع به زمین مشرق الاذکار می‌آید.^{۲۳} حضرت عبدالبهاء پس از استحضار از جزئیات مربوط به واقعه سنگ بنا در لوحی می‌فرمایند:

«و حضور جناب مستطاب جنرال فی الحقیقه دلیل برنهایت حمایت می‌نماید و این از امور غریبه است که به تصور نیاید ابدآکسی چنین همتی و حمایتی و رعایتی و عدالتی به خاطر نمی‌آورد این مجرد از تضرعات این عبد در نیم شب و وقت اسحار است، به همچنین از استعداد و استحقاق احبای عشق‌آباد که مشرق الاذکار به این حریت در آن دیار تأسیس گردد...»^{۲۴}

ساختمان و ویژگی‌های مربوطه

همانطور که اشاره شد مشخصات عمومی ساختمان به وسیله حضرت عبدالبهاء و در طرح استاد علی اکبر بناء یزدی تعیین گردیده بود و مهندسین روی نقشه‌کشی و اعمال جزئیات ساختمانی مربوطه را به عهده داشتند.

اولین مهندس مشرق الاذکار فردی روسی به نام اکنف بود که در همان زمان مسؤول ساختن کلیسای ملی در عشق‌آباد بود. وی که از

سوبوتیچ دستکش و پالتوی خویش را درآورده و به طرف محل معین برای نصب سنگ بنا آمده و در این موقع عکاس‌ها حاضر شده که عکس جمع حاضر را بردارند. جنرال سوبوتیچ اشاره به جناب حاج محمد تقی وکیل الحق کرده ایشان را که نشان‌های دولت روس و امیر بخارا را بر سینه داشتند به کنار خود دعوت کرده تا عکس برداشته شود. (عکس ص. ۲۴) سپس جعبه نقره‌ای که حاوی تاریخ بنا بود زیر سنگ بنا جا داده می‌شود. پس از این همه به طرف محل اجتماع اصلی بازگشته و در آنجا جناب ملا احمد میلانی با صدای رسای خوش متن تشکرآمیزی را به فارسی قرائت می‌کند. در این زمان واضح می‌شود که فرماندار به زبان فارسی آشنایی داشته و هر از چندگاهی معانی لغات ناآشنا را از مترجم جويا می‌شوند. ژنرال سوبوتیچ در این جشن اظهار داشته که در سفری به تاشکند با کتایی که راجع به تاریخ حیات حضرت باب بوده برخورد نموده است ولی ظاهراً ایشان از واقعه شهادت حضرت باب اطلاعی نداشته‌اند.^{۲۱} در نامه دیگری آقا سید مهدی دهجی می‌نویسد: «... [نامبرده] بعد از فراغت ذکر کردند که بسیار مسرورم که در ایام من مشرق الاذکار اهل بهاء تأسیس شد و آرزومند بودم که در ایام من هم تمام شود ولی حال که مسافرم خواهش دارم که بعد از اتمام عکس و صورت آن را جهت من بفرستید...»^{۲۲} یکی از میهمانان روسی که در این مراسم به اتفاق ژنرال سوبوتیچ حضور داشت شخصی بود به نام کلمیکف (Andrej D. Kalmykov) که در آن زمان وزیر امور خارجه ایالت ماورای خزر بود. وی مدت‌ها در ایران زندگی کرده بود و آشنایی نزدیک با تاریخ



جمعی از بانوان بهائی در داخل مشرق الاذکار

امریکا گردیدند. همچنین طرح معماری این معبد بهائی باعث ایجاد پیش زمینه فکری از فرم بنای مشرق الاذکار در بین احبای دنیا گردید. برای مثال حدود یک سال پس از آغاز ساختمان بیت روحانی شیکاگو خواستار دریافت نسخه‌ای از نقشه مشرق الاذکار می‌گردد. بایستی در نظر داشت که تأسیس این معبد مشوق سائر جوامع بهائی به آغاز پروژه‌های مشابه‌ای گردید.

تذکر این نکته ضروری است که آغاز ساختمان مشرق الاذکار عشق‌آباد مقارن با پروژه مهم دیگری یعنی بازسازی و مرمت بیت حضرت باب در شیراز بود که به واسطه یکی دیگر از حضرات افغان آقا میرزا آقا افغان اداره می‌شد. در کنار این دو پروژه ساختمانی بایستی به یاد داشت که دهه اول قرن بیستم شاهد یک پروژه عظیم ساختمانی دیگری یعنی بنای مقام مقدس حضرت باب که تحت نظارت مستقیم حضرت عبدالبهاء صورت می‌پذیرفت نیز بود.

همانطور که اشاره رفت پروژه ساختمان

جامعه بهائی عشق‌آباد ضامن خودکفایی و استقلال معنوی و عامل مهمی در شناخت و رسمیت جامعه بهائی در نواحی ایالت ماورای خزر بود. به جرأت می‌توان گفت که تا کنون هیچیک از معابد بهائی عالم تنوع و تکامل مؤسسات جانبی مشرق الاذکار عشق‌آباد را در کنار خود نداشته‌اند.

موفقیت مدارس بهائی دخترانه، پسرانه و کودکان که زمانی در آن قریب به ۴۰۰ دانش‌آموز مشغول به تحصیل بودند بدان مرحله رسید که حضرت عبدالبهاء امر به تأسیس اولین دانشگاه بهائی در آن شهر می‌نمایند:

«... حال باید دائره را توسیع داد و در تدبیر تأسیس مدارس عالیہ کوشید تا مدینه عشق‌آباد مرکز علوم و فنون بهائیان گردد.»^{۲۹}

خبر آغاز ساختمان مشرق الاذکار سریعاً به امریکا رسید و مورد استقبال و هیجان عمومی جامعه بهائی آنجا گردید و در نتیجه آن احبای امریکا نیز مصمم به بنای مشرق الاذکار در

مشرق الاذکار اولین مشروع بهائی بود که جنبه عمومی و جهانی داشت. حضرت عبدالبهاء عموم احباء را تشویق به اعانه به صندوق مشرق الاذکار نمودند و همیشه و در همه حال جنبه عمومی این مشروع را تأکید می فرمودند. حتی احبای ارض اقدس را نیز تشویق فرمودند که مبلغی جمع آوری کرده به عشق آباد حواله کنند و هیکل مبارک قبوض رسید تبرعات احبای ارض اقدس را شخصاً امضاء می فرمودند. جالب است بدانیم که این مسئله بعد از اندک زمانی به گوش احبای روسیه، ایران و سایر مناطق رسید و همگی مصراً تقاضای مهر و امضای حضرت عبدالبهاء را نمودند. نتیجتاً هر هفته چندین دسته قبوض از اطراف جهان برای امضای مبارک به ارض اقدس می رسید.^{۳۰} در سطح محلی ملحقات مشرق الاذکار نیز نقش ارزنده ای در حیات جامعه عشق آباد به عهده داشتند. سالن اجتماعات در باغ مشرق الاذکار محل انعقاد جلسات تبلیغی بزرگی مخصوص طالبین اروپایی روسی و یا ارامنه بود و برخی اوقات تعداد شرکت کنندگان آن از مرز ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر می گذشت. این جلسات در بسیاری اوقات به واسطه جناب سید مهدی گلپایگانی اداره می گردید. پس از پیروزی انقلاب کمونیستی جلسات متعدد بحث و مناظره بین مادیون و علمای ادیان مسیحی، اسلام و بهائی در فضای باغ مشرق الاذکار انعقاد یافت.^{۳۱}

سرنوشت ساختمان مشرق الاذکار

پس از پیروزی انقلاب بلشویک مخالفت واضحی نسبت به فعالیت های احباء در روسیه ملاحظه نمی شد. در سال ۱۹۲۲ یکی از ارگان های رسمی دولت کمونیستی ضمن درج

مقاله ای اشاره به این مسئله می نماید که بهائیان به علت آنکه افکار اهلای روسیه را از عقائد بلشویکی به مذهب خود منحرف می نمایند بایستی مورد مقابله قرار بگیرند.^{۳۲} در سال ۱۹۲۶ بود که چند تن از اعضای محفل روحانی مسکو بازداشت شده و مورد مؤاخذه قرار می گیرند. در سال ۱۹۲۸ تعدادی از بهائیان اولیه در عشق آباد دستگیر شده و از این پس فعالیت های محفل روحانی و سایر مؤسسات تابعه تحت محدودیت های شدیدی قرار می گیرد. در اواخر تابستان ۱۹۲۸ دولت اعلام می نماید که تمامی مکان های عبادتی تعلق به دولت کمونیستی دارد. نتیجتاً به مدت سه ماه درب های مشرق الاذکار بسته و آگهی در یکی از روزنامه های محلی برای اجاره ساختمان مشرق الاذکار درج می گردد. پس از آن احباء موفق به اجاره پنج ساله مشرق الاذکار می گردند و سپس در ۱۹۳۳ این قرارداد را برای پنج سال دیگر تجدید می نمایند. دو سال پس از این دولت اعلام می نماید که تمامی ابنیه مذهبی را به صاحبان اصلی آن پس خواهد داد اما مشروط بر آنکه مرمت و تعمیرات لازمه برای هر ساختمان در ظرف شش ماه انجام پذیرد. این موقعیت مورد استقبال عمومی احباء واقع گردید و با وقف مبالغ هنگفتی به تعمیرات مربوطه اقدام نمودند و از این رو مالکیت مشرق الاذکار مجدداً به جامعه بهائی بازگشت. پس از آن بود که مجدداً جلسات عمومی در مشرق الاذکار برگزار گردید و تابلو بزرگی بر سر در آن نصب شد. در عصر روز ۵ فوریه ۱۹۳۸ بود که تمامی اعضای محفل روحانی عشق آباد به اتفاق تعدادی دیگر از احباء دستگیر شدند و همچنین مجدداً مشرق الاذکار به تصرف دولت درآمد. بر اساس قوانین

در خاتمه بایستی خاطر نشان نمود که جامعه بهائی عشق آباد وابستگی خود را با جامعه بهائی ایران کاملاً حفظ نمود و کثیری از اعضای فعال هر دو جامعه اقدام به سفرهای تبلیغی و تشویقی به نقاط یکدیگر نمودند. جامعه بهائیان عشق آباد یک جامعه مهاجر نبود که گذشته گرانبهاء خویش را از یاد ببرد و یا میراث های افتخارآمیز خود را به سینه فراموشی بسپارد. این جامعه با تأسیس مشرق الاذکار و مؤسسات تابعه آن موفق به حفظ تبار و اصالت ارزشمند خود گردید. مؤسسه مشرق الاذکار به صورت هدفی برای حفظ و حمایت جامعه تازه تأسیس در کشوری آزاد درآمد و در عین حال مرکزی برای جذب دوستان و دوستانان دیانت بهائی در آن نواحی شد.

مشارکت قهرمانان این مشروع تاریخی از استاد علی اکبر بناء یزدی شهید گرفته تا حاجی محمد تقی وکیل الدوله، از مهندس ولکوف روسی گرفته تا آن کودک یزدی آجر در بغل و چه صدها تن از احباء پیر و جوان که همگی به آجرکشی و خاککشی این بناء افتخارها می نمودند رمزی است از خودگذشتگی، ایثار و فروتنی یک جامعه مهاجر بهائی.

معبد بهائی در عشق آباد را نه تنها می توان به عنوان مؤسسه ای روحانی بلکه به صورت سمبلی از آزادی و نماد رهایی یک جامعه مظلوم و رنج کشیده تلقی نمود.

مشرق الاذکار عشق آباد نه تنها مبلغ صامتی بود که بر احترام و شناخت دیانت بهائی افزود بلکه مشعل فروزانی گردید که ماورای درخشندگی و جلال ظاهری خویش حکایت از آزادی و تقدیر از حقوق انسانی می نمود. در ساختار سخت بنیان آن رنج های جامعه ای رنجور و درد کشیده را می شد جستجو نمود و

شوروی یک جامعه مذهبی برای داشتن عبادتگاه بایستی لا اقل ۵۰ عضو داشته باشد. با شروع مجدد تضيیقات تعداد احباء در عشق آباد که روزگاری از مرز ۴۰۰۰ نفر می گذشت به شدت کاهش یافته بود^{۳۳} لهذا مشرق الاذکار مصادره شده و تبدیل به یک گالری هنری گردید. در طول زلزله مهیب سال ۱۹۴۸ صدمات شدیدی به ساختمان وارد گردید و تنها قسمت مرکزی و گنبد مشرق الاذکار تا حدودی محفوظ ماند. گذشت زمان و باران های شدید مابقی ساختمان را به مرور متلاشی نمود و آن را به درجه ای رسانده بود که اگر کاملاً تخریب و تسطیح نمی گردید احتمال صدمه به منازل اطراف خود را داشت. از این رو در سال ۱۹۶۳ مسئولین اقدام به تخریب کامل بناء می نمایند. بنا به گزارش مستندی که در دست می باشد حتی اگر ساختمان مشرق الاذکار در همان سال به دست جامعه بهائی باز گردانده می شد چاره ای جز تخریب کامل بناء در دست نبود. در پی این واقعه در ۲۵ اوت ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم ضمن بیانیه ای به عالم بهائی اظهار می دارند که ساختمان مشرق الاذکار عشق آباد به واسطه دولت شوروی کاملاً تخریب شده است. به موازات آن بیت العدل اعظم در نامه ای خطاب به صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی آقای نیکتا خروشچف درخواست نمودند که زمین مشرق الاذکار را تبدیل به یک پارک عمومی نموده و در آن محل تابلویی که گویای اهمیت آن برای بهائیان تمام عالم باشد نصب گردد. متأسفانه هیچگونه جوابی از طرف دولت شوروی به این دادخواست داده نشد.^{۳۴}

خاتمه

International, London, pp.278-305.

۱۵- مأخذ ۱۲، صص ۹۹۳-۱۰۰۲.
۱۶- عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، مؤسسه مطبوعات امری، دهلی نو، ۱۹۸۰، صص ۲۳۵.

17- H. M. Balyuzi, *Eminent Bahá'ís*, George Ronald, Oxford, 1985, pp.266-8.

۱۸- اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، جلد ۸، بخش دوم، مؤسسه مطبوعات امری، طهران، ۱۹۷۵، صص ۹۹۵.

۱۹- عبدالحمید اشراق خاوری، محاضرات، جلد ۱ و ۲، لجنة ملی نشر آثار امری، لانگهین، ۱۹۸۷، صص ۱۱۱۳-۱۱۱۴.

۲۰- مأخذ ۱۸، صص ۹۹۷.
۲۱- نامه سید مهدی، ۱۴ دسامبر ۱۹۰۲، آرشیو محفل روحانی ملی امریکا، نسخ خطی و تایپی فارسی و انگلیسی برخی مکاتبات مربوط به مشرق الاذکار عشق آباد.

۲۲- آرشیو محفل روحانی ملی امریکا، ۱۹ دسامبر ۱۹۰۲ به محفل روحانی شیکاگو.

23- Andrew D. Kalmykov, *Memories of a Russian Diplomat* (ed. Alexandra Kalmykov), Yale University Press, New Haven and London, 1971, pp.151-3.

۲۴- مأخذ ۱۰، صص ۵۳۹-۵۴۰.
۲۵- مأخذ ۱۸، صص ۹۹۸-۹۹۹.
۲۶- مأخذ ۱۶، صص ۲۳۶-۲۳۷.
۲۷- مأخذ ۱۸، صص ۹۹۷-۱۰۰۳.
۲۸- مأخذ ۱۱، صص ۳.

۲۹- حضرت عبدالهه، مکاتیب عبدالهه، چاپ اول به سعی فرج الله ذکی الکردی، مصر، ۱۹۲۱، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۳۰- دکتر یونس خان افروخته، خاطرات ه ساله، کلمات پرس، لوس انجلس، ۱۹۸۳، صص ۲۹۴-۳۰۰.
۳۱- مأخذ ۱۸، صص ۹۹۰-۹۹۴.

32- *Bahá'í World* (1930), vol. 3 (1928-30), Bahá'í Publishing Committee, New York, p.35.

33- *Bahá'í World* (1942), vol. 8 (1938-42), Bahá'í Publishing Committee, Wilmette, Illinois, p.87.

34- *Bahá'í World* (1974), vol. 14 (1963-68), The Universal House of Justice, Haifa, pp.479-481.

در ابهت و طراوت ساختمان و باغاتش شکوفایی آرمانها و آرزوهای سازندگان به روشنی نمایان بود. ■

یادداشتها

۱- حضرت شوقی ربانی، کتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، ۱۹۹۲، مؤسسه معارف بهائی، کانادا، صص ۶۱۲.

2- Shoghi Effendi, *The World Order of Bahá'u'lláh*, Bahá'í Publishing Trust, 1991, Wilmette, Illinois, p.76.

3- *Bahá'í News*, No. 81, Feb. 1934.

۴- حضرت بهاء ۲ کتاب مستطاب اقدس، مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵، حیف، صص ۲۷.

خ- همان جا، صص ۱۱۰.

۶- همان جا، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۷- همان جا، صص ۷۱.

8- Armstrong-Ingram, R. Jackson, *Music, Devotions and Mashriqu'l-Adhkar*, Studies in Babi and Bahá'í History, vol. 4, Kalimat Press, 1987, Los Angeles, p. xiv.

و نیز:

- Extracts from the Bahá'í Writings on the Mashriqu'l-Adhkar, http://www.cafebedingfield.com/bahai/Mashriq_Compilation.html.

9- V. Rafati & F. Sahba, Bahá'í Temples, in *Encyclopaedia Iranica*, pp.465-7.

۱۰- عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی، جلد ۲، مؤسسه مطبوعات امری، دهلی نو، صص ۹۷.

11- Moojan Momen, Esslemont's Survey of the Bahá'í Community 1919-1920, part II: Turkistan, by Ibn-i-Asdaq, in *Bahá'í Studies Bulletin*, 1982, vol. 1, No. 2, p.3.

۱۲- اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، جلد ۶، بدون تاریخ، نسخه خطی، صص ۹۹۳-۱۰۲۱.

۱۳- خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، چاپخانه سپهر، طهران، ۱۳۵۶، صص ۳۱۴-۳۱۵.

14- Moojan Momen, *The Bahá'í Community of Ashkhabad, Its Social Basis and Importance in Bahá'í History*, in Akiner, Shiri (ed.), *Cultural Change and Continuity in Central Asia*, Kegan Paul

